



ده فرمان

ده راهبرد دانشگاه‌های انگلستان برای توسعه اقتصادی

مقدمه پس از بحران مالی سال ۲۰۰۸ مباحث بسیاری حول پیوند میان دانشگاه و نهاد اقتصاد در گرفت. تغییر سیاست‌های تأمین بودجه دانشگاه‌ها از جمله داغترین مضامینی بود که هرازچندی به گوش می‌رسید؛ اما نقطه مقابل این پیوند، یعنی وظیفه و کارکرد دانشگاه‌ها در انگیختن چرخ اقتصاد با حرارت کمتری موضوع بحث قرار گرفت. نشست علمی حاضر به میزبانی روزنامه گاردین در سال ۲۰۱۳ برگزار شد که در آن متخصصین امر به طرح نظرات پرداختند و با توجه به برگزاری رخداد در فضای مجازی، مشارکت عمومی هم در این بحث تخصصی نکته جذابی به شمار می‌رفت. آنچه در پی می‌آید چکیده مباحث برگزیده در ده بند است.

حاضران نشست • لوک جورجیو؛ معاون پژوهش و نوآوری؛ دانشگاه منچستر • آنا ویگنولز؛ استاد رشته‌ی آموزش؛ دانشگاه کمبریج • الکس بولز؛ مدیر اجرایی گروه دانشگاهی ۱۹۹۴ بریتانیا • لیبی هکت؛ سرپرست اجرایی ائتلاف دانشگاهی • جین میچل؛ مدیر پژوهش توسعه و مشارکت مؤسسه پایش کیفیت دانشگاه‌های بریتانیا • ویوین سترن؛ مدیر روابط سیاسی دانشگاه‌های بریتانیا • دام اندرسن؛ معاون اجتماعی و شهروندی دانشگاه ملی سنگاپور • مارتین هوارث؛ مدیر گروه مهندسی و ریاضی دانشگاه شفیلد هالم • ادم پاول؛ مدیر راهبرد و مشارکت دانشگاه بث

در این یادداشت راهبردهای گوناگونی از جمله تلاش برای بین‌المللی کردن تحصیلات عالی، همتراز کردن مهارت‌ها با سطوح جهانی، بررسی و توضیح تاثیرات پژوهش، تعامل بیشتر با بازار کار، تاکید بر تاثیر اقتصادی منطقه‌ای، کمک به دانشجویان برای شناخت بهتر سیستم، ارتقاء فارغ‌التحصیلان در تمام زمینه‌ها و مقاطع، درک کارکردهای متفاوت مدارج مختلف برای دانشجویان و غیره معرفی می‌شود.



LS Lowry
Going To Work

۱. تاکید برای بین‌المللی کردن تحصیلات عالی

بین‌المللی شدن نکته‌ی مهمی در راستای ایفای نقش دانشگاه‌ها در رشد اقتصادی است؛ چه پژوهش‌هایی که توسط استادان خارجی در انگلستان انجام می‌شود و باز خورد اقتصادی آن، و چه بودن در محیطی بین‌المللی که موجب چالش و تحول اذهان می‌شود، هر کدام به نوعی سرمایه‌ی اقتصادی دانشگاه محسوب می‌گردد. چنین است که بیش از ۱۰ بلیون پوند برای کمک به دانشجویانی که در این کشور مشغول به تحصیل هستند اختصاص داده شده است تا این فضای تعامل بین‌المللی تقویت گردد.

چنین اقداماتی باید بیشتر انجام شود تا این تصور که بریتانیا بیش از این به دانشجویان خارجی نیاز ندارد، تعدیل گردد. این امر همچنین دلیلی است برای اینکه از طریق فراهم آوردن مقدمات تحصیل در خارج از کشور، فارغ‌التحصیلانمان را برای داشتن چشم‌اندازی بین‌المللی ترغیب کنیم. بازار کار در هرجاه نیازمند محققان و فارغ‌التحصیلانی با دیدگاهی جهانی است.

۲. همتراز کردن مهارت‌های ذهنی و عملی با سطح جهانی

برنامه‌ی آموزشی نه تنها باید دانشجویان را برای مهارت‌های عملی آماده کند، بلکه باید عوامل تقویت کننده‌ی مهارت‌های ذهنی آنها را نیز در نظر بگیرد. برای داشتن فارغ‌التحصیلانی با مهارت‌های بالا و گسترش مراکز تحقیق در رقابت با کشورهای توسعه‌یافته، اقتصادهای نوظهور نیز باید مدنظر قرار گیرند. شرکت‌ها می‌توانند از طریق برون‌سپاری امور خاص به نیروی کار ماهر، هزینه‌های خود را کاهش دهند. چنین است که فشار مربوط به درآمدهای نیروی کار متخصص در کشورهای توسعه‌یافته کاهش می‌یابد.

۳. بررسی و توضیح تأثیرات پژوهش

پژوهش دانشگاه‌ها از همان آغاز، اغلب بدون چشم‌داشت مالی یا اعتبار شخصی، به سوی اکتشافات نو هدایت می‌شود. هیچ‌کس این کار را انجام نمی‌دهد و از این‌رو، ضروری است که این نقش را حمایت و تقویت کنیم. با این حال، هدف کلی‌تر ما و سرمایه‌های عمومی‌ای که دانشگاه‌ها دریافت می‌کنند ایزاری است که ما از طریق آن اهمیت تأثیرگذاری خود را شناخته و باید کاربرد نتایج پژوهش‌هایمان را در جهت منافع اقتصادی و اجتماعی تسهیل کنیم. چیزی که از همان ابتدا باعث جلب نظر بازار کار می‌شود، تعهد در پژوهش و خلاقیت است. در بیشتر موارد سرمایه‌گذاری‌ها صنعت‌محور است؛ برای مثال سرمایه‌گذاری‌هایی که توسط هیئت استراتژی‌های تکنولوژیک یا مشارکت‌های اقتصادی منطقه‌ای صورت می‌گیرد. شورای تحقیقات و برخی جریان‌های سرمایه‌گذاری اروپایی پیشنهادت جدی‌تری برای پژوهش‌های «بنیادی» مطرح می‌کنند. با این حال، بر حمایت از صنعت تأکید بیشتری وجود دارد. بهتر آن است که ما دانشگاهیان ارزش پژوهش‌های بنیادی را، به عنوان یک امر پیش‌برنده و درعین حال گام نخست پژوهش‌های کاربردی، برای بخش صنعت تشریح کنیم.

۴. تعامل بیشتر با بازار کار

جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاه به سمت شرکت‌ها و مشاغل موجود، مهم‌ترین دلیلی است که نتایج پژوهش‌ها و آموزش‌ها را انتقال دهیم. علاوه بر مطرح شدن ایده‌ها، می‌توانیم از این طریق با فارغ‌التحصیلان خود ارتباط برقرار می‌کنیم و با نگه‌داشتن ارتباطات موثر، زمینه‌ای برای پژوهش‌های مشترک و دیگر همکاری‌ها ایجاد کنیم. یکی از منتقدین گاردین میگوید فضا برای بهتر شدن همکاری میان دانشگاه‌ها و بخش‌های صنعتی، برای تجاری کردن ایده‌ها و کمک به رشد اقتصادی ما وجود دارد. اما من نگران آن هستم که ما با هدف جلوگیری از تجاری شدن و درگیر شدن پژوهش با فضای بازار، تحقیق درباره‌ی مسائلی که حقیقتاً می‌تواند موجب تقویت و پیشرفت نژاد انسانی شود را متوقف کنیم و در عوض تنها بر پژوهش‌هایی تمرکز کنیم که به افزایش مصرف‌گرایی و رشد اقتصادی اختصاص یافته‌اند.

۵. تمرکز بر تأثیر اقتصادی منطقه‌ای

به‌کارگیری مهارت‌های فارغ‌التحصیلان در شهرها و شهرستان‌ها منجر به رشد اقتصاد منطقه‌ای می‌شود. چنین چیزی را می‌توان در شهر لیورپول مشاهده کرد. به نظر من، صرفاً بازده واقعی دانشگاه نمی‌تواند نشان از تأثیر بر یک منطقه باشد. بلکه باید تأثیرات روانشناختی زندگی کردن در نزدیکی یک موسسه را مدنظر قرار داد.

۶. تعهد ما را نسبت به کیفیت برتر و آزادی فضای آکادمیک همواره در خاطر داشته باشید

آموزش به‌مثابه محصول را باید شکلی از استراتژی‌های صنعتی دولت در نظر گرفت. این امر در گزارش‌های اقتصادی دولتی مغفول ماند. تصور می‌کنم نباید دقت نظر بالایی که نظام آموزشی عالی انگلستان دارد را دستکم بگیریم. در کنار رقابت‌های «درون منطقه‌ای»، همچنان جایگاهی برای ما وجود دارد که بتوان از طریق



آن، آموزش عالی نوظهور برون مرزی را شکل داد. این امر شامل آموزش چارچوب‌های پیشرفته‌ی حرفه‌ای و تمرکز بر کیفیت آموزش است.

اصل اساسی، کیفیت برتر است. ممکن است این اصل کشمکش‌ی را دربر داشته باشد میان تجربه‌ی کیفیت بالا برای دانشجویان و حفظ استانداردهای لازم؛ ما نمی‌توانیم چیزی را که دانشجویان می‌خواهند به آن‌ها بدهیم تنها به این خاطر که دغدغه‌ی آن‌ها حفظ استانداردها است. در شرایط مشابه، ما باید اطمینان حاصل کنیم که این مسئله، تنها توجیهی برای حمایت ضعیف آکادمیک از دانشجو نباشد.

۷. کمک به دانشجویان برای شناخت بهتر سیستم

دانشجویان باید اطلاعات لازم را در اختیار داشته باشند تا مسیر خود را از میان راه‌های مختلفی که نهادهای ارائه‌دهنده‌ی آموزشی مطرح کرده، شناسایی کنند و بتوانند دوره‌ی آموزشی و نهاد مناسب را انتخاب نمایند. این امر به‌ویژه برای نهادهای جدیدی که سوابق کمتری در ارائه‌ی خدمات آموزشی عالی و با کیفیت دارند حائز اهمیت است، زیرا با ارائه‌ی این اطلاعات می‌توانند متضمن فراهم‌آوردن آموزش عالی با کیفیت باشند.

۸. ارتقاء سطح فارغ‌التحصیلان در تمام زمینها و مقاطع

پیش از این، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و ماشین‌های سنگین بهترین راه برای بالا بردن رشد اقتصادی بود. اما امروزه در جهانی زندگی می‌کنیم که سرمایه‌ی انسانی، اساسی‌ترین شاخص رشد اقتصادی است. اوباما، رئیس‌جمهور امریکا می‌گوید: «کسانی که امروز به ما آموزش می‌دهند، فردا عملکرد بهتری نسبت به ما خواهند داشت.» برخلاف صحبت‌هایی که مبنی بر تعداد بیش از حد دانشگاه‌ها و فارغ‌التحصیلان و نیاز آن‌ها به کارآموزی و غیره شده است، شواهد نشان می‌دهد که اتفاقاً این مقیاس و کیفیت خروجی فارغ‌التحصیلان ما است که موفقیت اقتصادی آینده‌ی ملت ما را تعیین می‌کند.

۹. ایده‌ها را ابراز کنید و بیرون بریزید

تصور می‌کنم نزدیک به یک دهه است که سیاست‌گذاران به دنبال بازخورد مالی دانشگاه‌ها بودند. مسئله این نیست که این بازخورد قابل توجه نباشد، اما این میزان بازخورد تنها در موارد محدودی تامین می‌شد. تنها نهادهایی که به شکل جدی این سیاست‌ها را پیگیری کرده‌اند، توانسته‌اند درصد کوچکی از بازگشت‌های مالی حاصل از این سیاست‌ها را فراهم کنند. از بخش بسیار کوچکی از درآمدشان. منفعت بیشتر اقتصادی از طریق ایده‌ها و ابراز آن‌ها میسر می‌شود. بنابراین، ترغیب دانشگاه‌ها برای به حداکثر رساندن بازخورد مالی، در جهت مخالف تولید موثر است.

۱۰. درک کارکردهای متفاوت مدارج مختلف برای دانشجویان

از منظر اقتصادی، تمامی زمینه‌های آموزش عالی یکسان نیستند و مسلماً تمامی مدارج علمی سودمند نیستند. بنابراین پر بیراه نیست اگر بگوییم اقتصاد به فارغ‌التحصیلان بیشتری نیاز دارد. بسیاری از مدارج علمی و فارغ‌التحصیلان آن در مقیاس وسیعی، موجب پربار شدن زندگی فرهنگی و اجتماعی ما میشوند. ما به شناخت بهتری از اینکه این مدارج مختلف برای دانشجویان چه کارکردی دارند، هم از نظر موقعیت شغلی و هم از نظر درآمد، نیاز داریم. در شرایطی که فایده‌ی وجود آموزش عالی برای افراد را میتوان به طور شفاف ملاحظه کرد، تاثیر کلی تحصیلات و آموزش عالی بر رشد اقتصادی کمتر مشاهده میشود. بنابراین به حداکثر رساندن این تاثیر در بخش منطقی‌های و اقتصاد ملی ما ضروری و مسلماً پیوندهای بیشتر و بهتر با بخش صنعت حایز اهمیت است ■